

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

احمد کندهاری

۲۱ اکتوبر ۲۰۱۲

روز های آخر زندان پاچرخي

۲

با درود و سلام بی پایان به رزمندگان پورتال وزین آزادگان "افغانستان آزاد-آزادافغانستان"

از این که به بنده افتخار بخشیده اید یک جهان سپاس! باید گفت، ارج گذاشتن شما به نوشته ناچیزم روانم را تقویت نموده و بعد از مدت زمانی در جوار شما رزمندگان قلم به دست آرامش روانی حاصل نمودم.

اینک به تعقیب نوشته گذشته که غرش فیر ها به اطراف بلاکها رسید و فیرهای توپهای تانکها و ماشیندار ها آنقدر زیاد شده بود که به اصطلاح ما نظامیان به اطراف کلکینچه های اطاقها گزلك می کرد و احساس می کردیم که فیرها داخل اطاقها می آید و هم اطاقها زیادت از ما نظامیان سوال می نمودند که چه باید کرد ، به جز از انتظار سرنوشت نهائی چاره ای نبود و جوابی نداشت.

و ما که در اطاقهای عمومی زندانی بودیم اکثراً از یک طرف داخل اطاق به طرف دیگر در قسمت پایینی کلکینها در حرکت بودیم به فکر این که از اصابت گزلك مرمیها محفوظ باشیم.

و بعضی زندانیان هیچ حرکت نمی کردند فقط به نظاره کردن اوضاع منتظر سرنوشت بودند فیر و آتش توپها بالای دیوارهای دروازه عمومی بلاک شروع شده بود. چون اطاق ما نزدیک دروازه عمومی بلاک دوم بود اکثراً فیرها به استقامت شمالی حصه تحتانی دیوار بلاک اصابت می کرد. که هنوز هم نشانه های آنزمان مشاهده می شود.

هیجانان بیشتر شده می رفت و حتی یک لرزش خاصی جسمانی احساس می کردیم که تقریباً به فکر لحظات سرحد مرگ و زندگی بودیم. نمی دانم چرا در همچو لحظات حساس ادرار و رفتن به تشناب زیاتر شده می رفت چون یک اطاق خورد بدون کدام کلکین و تاریک به داخل اطاق عمومی اعمار شده بود و فهمیده نمی شد که به چه هدف بنا یافته. در همچو واقعات اختصاصی و بندش دروازه ها برای ساعات طولانی الی یکی دو روز ما زندانیان به رفع حاجت و ادرار در بین قطبهای خالی شیر کلیم از رفتن به داخل اطاق نوبت نمی رسید و این قطبها را از طریق

کلکینها به خارج از اطاق خالی می نمودیم. که در همان شب نزدیک شدن به کلکین هم ناممکن شده بود. و به نسبت زیاد شدن قطیها به داخل اطاق، بوی بد فضای اطاق را پوشانده بود که به بیرون از اطاق بوی سرایت می کرد. تا این که توأم با صداهای ماشیندار و توپها حوالی ساعت ده بجۀ شب صدای عساکر قشون سرخ متجاوز تزارهای جدید از صحن بلاک شنیده شد.

و محافظین دروازه عمومی بلاک که از ترس فیر و آتش مخفی شده بودند بالاخره صدای تسلیمی آنها شنیده شد. و دروازه های بلاک باز شد و صداهای بلند عساکر روسی متجاوز به داخل دهلیزهای بلاک بلند شد. به مجرد شنیدن صداهای روسی پرچمی ها از جاهای خویش که تا یک لحظه پیش رمق نفس زدن را نداشتند به یک بارگی همه بلند شده به طرف پنجره های اطاقها هجوم بردند و نقاب از رخ کشیدند و مثل سکهای شبهای زمستان با صداهای بلند به هورا هورا کشیدن سر دادند. مخصوصا میر علی احمد ضابط به صدای بلندتر از همه زیادتیر گلو پاره می کرد. همه نیروهای چپ انقلابی (شعل نی ها) همه در جاهای خویش نشسته در حالت سکوت بودند اگر کسی به خاطر دارد و گفته می تواند بگوید که یک چپ انقلابی به دروازه اطاق نزدیک شده باشد به عساکر روسی خیر مقدم گفته باشد نه تنها که خیر مقدم نگفتیم بلکه انزجار خود را نشان می دادیم و آگاهانه به تحلیل گرفته بودیم که مرحله نوین سر آغاز تمام مصایب و علایم مام میهن آغاز گردید

عساکر با بلند نمودن پردها از روی پنجره های اطاق چیزی به زبان روسی میگفتند که نمی فهمیدیم و پرچمی ها یا نیرو های ذخیره به آنها خیر مقدم و شناسائی قوای دوست به دوست دست و پنجه می فشردند و رو بوسی و دست بوسی می نمودند. هم وطنان گرانقدر بشناسید این وطن فروشان دیروزی را با وطن فروشان امروزی چقدر نزدیک با هم دیگر هم طبع و دوست همدیگر اند.

و شما مشاهده می کنید که از هیچ گونه جرم و جنایت در حق مردم محروم ما شرم به رخ نمی آورند. بمباردمانهای قوای دوست خلقی و پرچمی ۹۹٪ زیر بنای اقتصادی کشور را با نیروی بشری آن نابود کرد که هنوز هم در حالی نابودی می باشد. شادمانی این وطن فروشان دوام داشت و رادیو های بیسیم جیبی شان علنی شد و منتظر چیزی بودند تا اینکه صدای دلخراش ولی برای آنها نوید دهنده ببرک کارمل شاید از رادیو تاجکستان اعلامیه بردگی را اعلام نمود که این همه نوید اسارت و بدبختی یک ملت به حساب می رفت..

دروود به روان پاک آن شهدای راه آزادی که از صف ما توسط دژخیمان خلقی کشیده شدند و ما به تنهایی نظاره کر اوضاع بودیم
ادامه دارد.

احمد کندهاری

۲۰۱۲/۲۰/۱۰